

11th International Conference on Language , Literature , Culture and History Studies



بررسی تناسبِ فرم و محتوای شاهنامه با روح زمانهٔ دورهٔ غزنوی با کمک نظریهٔ تاریخ ذهنیت عامه*

مصطفی آرزومند لیالکل^۱

سیدعلی قاسم‌زاده^۲

چکیده

فضای فکری و روح زمانهٔ هر دوره‌ای، در خلق، پذیرش و یا ردّ آثار ادبی تأثیر فراوان دارد. این‌که اثری از نظر فرم و محتوی، متناسب با روح زمانه‌اش خلق شود، خواهد توانست جریان فکری زمانه را رهبری و هدایت کند. بررسی جایگاه شاهنامه به منظور نشان‌دادن تناسب آن با روح زمانه‌اش و این‌که تا چه اندازه توانسته است با جهان فکری زمانهٔ خود هم‌سو باشد، در شناخت بهتر این اثر ملی بسیار اهمیت دارد. بنابراین در این مقاله سعی شده‌است با استفاده از نظریهٔ تاریخ ذهنیت عامه، ضمن معرفی الگوهای فرهنگی دورهٔ غزنوی، روح زمانهٔ آن دوره را معرفی کرده و سپس با بررسی الگوهای رفتاری عامه و اعیان، به تناسب فرم و محتوای شاهنامه با بستر تاریخی شکل‌گیری‌اش بپردازیم. از نتایج تحقیق برمی‌آید، ظهور شاهنامه از نظر فرم و محتوی، متناسب با روح زمانه‌اش بوده‌است و این هم‌سویی با روح زمانه، در بر ساخت‌ها و بازنمایی‌های گوناگون در پندارهای عامه و کردارهای اعیان ظاهر شده‌است.

کلمات کلیدی: شاهنامه، دورهٔ غزنوی، روح زمانه، تاریخ ذهنیت‌ها، فرم و محتوی.

^۱ دانش آموختهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) و نویسندهٔ مسئول

^۲ استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

*این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکتری مصطفی آرزومند لیالکل با عنوان «جایگاه شاهنامه در ذهن و زبان ایرانی در دورهٔ غزنوی و سلجوقی بر اساس نظریهٔ تاریخ ذهنیت» با راهنمایی دکتر سیدعلی قاسم‌زاده است.